

اعتقاد دانشجویان به لیبرالیسم، علل و پیامدهای آن

• دکتر داود پرجمی

چکیده

تمدن غرب بر تحولات فکری و معرفتی سکولاریسم، اومانیسم، لیبرالیسم و استفاده از روش‌های علمی برای کسب شناخت بنیان نهاده شده و با ایجاد نهادها و ساختارهای اجتماعی متناسب تداوم یافته و به‌رغم تمامی کاستی‌ها و چالش‌های خود امروز تمدن مسلط جهانی است. غرب توانسته بر مبنای جهان‌بینی خود و تعریفی که از "انسان کامل" مبتنی بر این جهان‌بینی دارد، یک نظام اجتماعی متناسب و کارآمد، که نتیجه نظم اجتماعی حاصل از آن تناسب است، بنا نماید. از همین رو برخی جوامع با مفروضات هستی‌شناختی متفاوت، به‌ویژه از طریق آموزش‌های علمی ارائه شده در دانشگاه‌ها خواسته یا ناخواسته همان مسیر را می‌روند، لیکن هنوز با مشکل توسعه نیافتگی حداقل با شاخص‌های مرسوم و متداول آن مواجه و حتی دچار بی‌نظمی اجتماعی نیز می‌شوند که یکی از علل مهم آن عدم تناسب ساختارهای اجتماعی با مبانی فکری و فلسفی این جوامع است. این مقاله بی‌آنکه قصد نقد مبانی اندیشه تمدن غرب را داشته باشد به بررسی میزان اعتقاد دانشجویان به عقاید لیبرالیسم در مقابل اعتقادات اسلامی و برخی علل و پیامدهای آن پرداخته است. نتایج به‌دست آمده از بررسی نظرات 1470 نفر از دانشجویان دانشگاه‌های مطرح در تهران، حاکی از آن است که 5/9

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

dp206pd@yahoo.com

بر خود لازم می‌دانم از زحمات خانم‌ها ریحانه گرامی، مریم بختیاری و طیبه کریمی دانشجویان کارشناسی ارشد پژوهشگری تشکر کنم

تاریخ پذیرش: 89/9/28

تاریخ دریافت: 89/7/25

درصد پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، 15/5 درصد خیلی زیاد، 25/4 درصد زیاد، 22/1 درصد کم، 20/9 درصد خیلی کم و 10/2 درصد خیلی خیلی کم به لیبرالیسم اعتقاد داشته‌اند. میزان اعتقاد آنها به لیبرالیسم به‌طور متوسط 3/32 از 6 با انحراف معیار 1/48 است که بین کم تا زیاد می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد هرچه اعتقاد به لیبرالیسم بیشتر شده است رعایت اخلاق کاری، احساس مسئولیت در کار، هویت ملی، مشروعیت نظام سیاسی، احساس مسئولیت در برابر انقلاب، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی و ترجیح هویت اسلامی بر هویت ملی کمتر و فرد گرایی، فایده گرایی و ترجیح هویت قومی بر هویت ملی بیشتر شده‌اند. همچنین هرچه اعتقاد به لیبرالیسم بیشتر شده از موفقیت علمی، کارآمدی علمی، جامعه‌پذیری برای سایر نقش‌های اجتماعی، خلاقیت، توسعه‌یافتگی انسانی و در نهایت شاخص توسعه علمی دانشجویان کاسته شده است. تمامی نتایج به‌دست آمده از نمونه از نظر آماری معنی‌دار هستند و قابلیت تعمیم به جمعیت تحقیق را دارند.

واژگان کلیدی: لیبرالیسم، دانشگاه، اخلاق کاری، احساس مسئولیت، هویت ملی، مشروعیت نظام سیاسی، احساس مسئولیت در برابر انقلاب، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ترجیح هویت اسلامی بر هویت ملی، فرد گرایی، فایده گرایی و ترجیح هویت قومی بر هویت ملی.

مقدمه

تمدن غرب از یک تحول معرفتی، در واکنش به شرایط تاریخی و اجتماعی خاص قرون وسطی آغاز و در دوره رنسانس به شکوفایی خود رسید (Wolfe, p.254) و حیات پر رونق خود را تداوم بخشید و اکنون در عین سیطره جهانی با چالش‌های اساسی روبه‌روست. این تحول در فکر و اندیشه، دارای دو رکن اساسی مرتبط و مبتنی بر هم است:

1. سکولاریسم، به معنی دنیایی نمودن امور و حذف و انکار عوامل فوق طبیعی طبیعی مؤثر بر حیات انسان و محیط طبیعی او.
2. اومانیزم، انسان محوری و جایگزینی انسان به جای خدا به معنی آنکه انسان اشرف موجودات (نه مخلوقات) و صاحب و مالک

هستی، با خصوصیات و توانایی‌هایی خاص.

لیبرالیسم به عنوان یک مکتب اجتماعی بر مبنای این دو مفروض، تعریفی خاص از انسان کامل داشت و متناسب با آن نیز اشکال خاصی از نهادهای اجتماعی، به‌ویژه نهاد اقتصاد و سیاست، را عرضه می‌کرد. بی‌شک این تفکر اصلی-ترین پایه تمدن و توسعه غرب است، زیرا که در غرب پس از قرون وسطی یک جهان‌بینی که توانست ساختارهای اجتماعی متناسب با مفروضات هستی-شناختی خود را به‌وجود آورد پدیدار گشت. اگر انسان دارای توانایی عقلی است که با استفاده از آن می‌تواند سره از ناسره بشناسد و شناخت علمی، او را از دیگر اشکال شناخت از جمله شناخت وحیانی بی‌نیاز می‌کند، پس می‌تواند از هر قید و بندی آزاد باشد و هیچ دخالتی، به-ویژه از سوی دولت در امور او پذیرفته نیست، عمل انسان ملاکی برای درستی و نادرستی امور است، به‌ویژه اگر این عمل برآمده از اراده جمعی انسان‌ها باشد. این نگاه به انسان نهادهای اجتماعی متناسب با خود را ایجاد کرد و همین امر مهم‌ترین اصل موفقیت تمدن غرب با تمامی کاستی‌های موجود و چالش‌های پیشرو آن است. کفایت عقل انسان برای تشخیص امور در عرصه سیاست در ارزشمندی دموکراسی و حکومت مبتنی بر رأی اکثریت یعنی جمهوری و در عرصه اقتصاد در رقابت آزاد و تنظیم شخصی بازار بر مبنای قواعد ناب اقتصاد بازار بدون دخالت دولت تبلور می‌یابد. محدوده نفوذ نهاد دین در حیطه زندگی خصوصی مردم تعیین و اداره جامعه بر مبنای قواعد دینی مذموم می‌گردد. متناسب با این رویکرد نهاد آموزش و پرورش تغییر محتوایی می‌یابد و نهاد خانواده دچار دگرگونی شده و از گسترده به هسته‌ای و بعد هم به اشکال جدید دیگری تغییر می‌یابد. پیدایش ساختارهای اجتماعی مبتنی بر مفروضات هستی‌شناختی در باره جهان و انسان و تناسب آنها با هم و همسویی و هماهنگی ناشی از آن، به-ویژه با پیدایش لیبرالیسم جدید و رفع برخی اشکالات لیبرالیسم کلاسیک، نوعی نظم اجتماعی ایجاد می‌نماید که حاصل آن سیطره جهانی تمدن غرب است. صرف نظر از انتقادات اساسی که به جهانی‌بینی غرب و ساختارهای برآمده از آن

وارد است ترویج آموزه‌های لیبرالیسم به دلیل تفاوت مبانی شناختی آن با جهان‌بینی متفاوت و در نتیجه شرایط اجتماعی متفاوت جوامع دیگر از جمله کشور ما، نه تنها به توسعه حتی در شکل غربی آن منجر نمی‌شود، بلکه نوعی بی‌نظمی اجتماعی به وجود خواهد آورد که پیامدهای منفی نیز در پی خواهد داشت. از آنجا که تحول معرفتی آغازین تمدن غرب از نظر روش‌شناختی مبتنی بر روش‌های علمی است که امروزه بر دانشگاه‌های جهان و دانشگاه‌های ما غالب است و خواه ناخواه آموزه‌های شناختی لیبرالیسم را ترویج می‌کند، در این مقاله به بررسی میزان اعتقاد دانشجویان به اصول و مبانی لیبرالیسم و برخی علل و پیامدهای آن پرداخته ایم. لازم است تأکید شود که این مقاله بنای نقد مبانی فکری لیبرالیسم را ندارد و صرفاً به بیان این عقاید، صرف‌نظر از صحت و سقم آن، اندازه‌گیری اعتقاد دانشجویان به این عقاید و برخی علل و پیامدهای آن پرداخته است. هرچند تلاش شده میزان تأثیرگذاری دانشگاه در ترویج عقاید لیبرالیسم بررسی شود، با وجود این مقاله ادعای آن را ندارد که اعتقاد به باورها و عقاید لیبرالیسم صرفاً در دانشگاه ترویج می‌شود، بلکه صرف نظر از منشأ آن وجود و شدت آن مورد توجه بوده است.

چهارچوب نظری

تعریف لیبرالیسم: واژه لیبرالیسم از دو واژه لیبرال (liberal) و ایسم (ism) تشکیل شده است. لیبرال در حالت وصفی، معانی تمایل به تحمل رفتار و عقیده مخالف و اهل مدارا بودن، بخشیدن چیزی از روی سخاوت و جوانمردی، غیر دقیق، آزاد از تعصب و پیش‌داوری و غیرخشن را دارد. در معنای قدیمی خود به معنای بسیار آزاد یا ناشایسته و دور از ادب رفتار کردن و یا شهوت‌ران است. در حالت اسمی خود معانی اعتقادات و اصول لیبرال و جنبشی در پروتستانیسم مدرن را دارد که بر آزادی فکر، لیبرال بودن و محتوای الهی و اخلاقی مسیحیت تأکید می‌کند، نظریه‌ای در اقتصاد که با تأکید بر آزادی فردی از قیود، مبتنی بر رقابت آزاد و تنظیم شخصی بازار است؛ فلسفه سیاسی مبتنی بر باور

به پیشرفت و خیر اساسی نژاد انسانی و خودآینی افراد و نیز مدافع آزادی های فردی است (نبویان، ص 5-60؛ Gross, p. 5؛ Song, p.45).

معنای اصطلاحی لیبرالیسم: این اصطلاح در اصل اسپانیایی و از نام حزبی سیاسی گرفته شده که از استقرار حکومت مشروطه در اسپانیا طرفداری می‌کرد. بعدها اصطلاح لیبرال در دیگر کشورهای اروپایی رایج شد و برای نامیدن حکومت، حزب، سیاست

عقیده‌ای به کار رفت که طرفدار آزادی و مخالف با آمریت بود. لیبرالیسم را می‌توان به طور دقیق، نگرشی به زندگی و مسائل آن توصیف کرد که بر ارزش‌هایی هم چون آزادی برای اقلیت‌ها، افراد و ملت‌ها تأکید دارد (شاپیرو، ص 3). لیبرالیسم درک کلی از هدف سیاست به عنوان خوشبختی و رفاه فرد است. این جهان‌بینی بر آزادی بیان و اندیشه و همچنین بر اقتصاد آزاد و بدون دخالت دولت برای توسعه اقتصادی تأکید می‌کند (اریک، ص 211).

تاریخچه لیبرالیسم: واژه لیبرال از قرن چهاردهم میلادی کاربرد داشته و بعد معانی متنوعی یافته است. واژه لاتین «liber» اشاره به طبقه‌ای از آزادمردان داشت، مردانی که نه برده بودند و نه سرف (رعیت وابسته به زمین). لیبرالیسم به عنوان یک آیین سیاسی نظام‌مند، برعقایدی بنا شده بود که در سه قرن قبل از آن در پاسخ به شرایط فروپاشی فئودالیسم در اروپا و در تضاد با قدرت شاه و فئودال و جامعه‌ای مبتنی بر اقتصاد بازار به وجود آمد. در این دوران لیبرالیسم که معرف خواسته‌های طبقه متوسط بود، اصلاحات بنیادین را در تقابل با قدرت خودکامه نظام پادشاهی (تشکیل حکومت مشروطه و سپس حکومت جمهوری) طلب می‌کرد. لیبرال‌ها منتقد تعیین جایگاه اجتماعی افراد بر مبنای اصل و نسب و امتیازات سیاسی و اقتصادی فئودال‌ها بودند، آنها مرجعیت کلیسای رسمی را زیر سؤال بردند و از آزادی مذهب حمایت کردند. همزمان با روند صنعتی شدن، لیبرال‌ها از یک نظام اقتصادی صنعتی حمایت کردند که بر وجود اقتصاد بازار بدون مداخله دولت، دادن امکان نفع طلبی به افراد استوار بود (Bourdieu).

تحولات تاریخی قرن‌های نوزده و بیست بنیان‌های جهان‌بینی لیبرالیسم را متأثر کرد، با

موفقیت طبقه متوسط و تسلط اقتصادی و سیاسی آن، لیبرالیسم کمتر از اصلاحات جانبداری کرد و تلاش بیشتری برای حفظ نهادهای موجود نمود و در مقابل سنت فکری قدیم لیبرالها که دخالت کمتر دولت در زندگی شهروندان را میخواستند، تفکر جدید لیبرالیسم که حکومت را مسئول ارائه خدمات رفاه نظیر بهداشت، مسکن، پرداخت مستمریها، تعلیم و تربیت و نیز مدیریت یا دست کم ساماندهی اقتصاد میدانست شکل گرفت. (Johnson.p.28 و هی وود، ص65-61).

در عصر رنسانس نگرشی جدید به انسان و جهان در ابعادی گوناگون، بنیان فلسفی لیبرالیسم را شکل میدهد که جوهر آن فردگرایی و درک از انسان به مثابه فرد است. بعلاوه انسانگرایی این عصر، یعنی ایمان به نوع بشر و پذیرش مفهومی نو از عظمت و تواناییهای او نیز از پایههای اساسی پیدایش لیبرالیسم است (آربلاستر، ص141-140 به نقل از نبویان).

اصول فکری لیبرالیسم

محوریت انسان: ازدیدگاه لیبرالیسم، موجودی (و نه مخلوقی) شریفتر و کاملتر از انسان در نظام هستی یافت نمیشود و همه موجودات باید به نحوی در خدمت انسان باشند ولی انسان خادم هیچ موجود دیگری نیست (گنون، ص9). با تلاش دکارت، در اندیشه جدید غربی و جهانبینی مدرن، برای محوریت انسان مبنا و توجیه فلسفی ارائه شد. قبل از دکارت، هستی مطلق وجود خداوند بود و انسان و سایر موجودات عالم دارای وجود تبعی بودهاند. معرفت انسان نیز تابع افاضه الهی بوده و انسان در سایه الهام الهی واجد معرفت حقیقی میگشت. پس از قرون وسطی و شک در باورهای دینی مسیحی، در وجود خداوند تردید شد. بنابراین خداوند نمی-توانست برای بشر معرفتبخش باشد. ایده اساسی دکارت، مبنا قرار دادن خود انسان و محتوای آگاهی او برای اشیای دیگر است (نبویان، ص47). در این تفکر محوریت هر اصل دیگری بیرون از انسان در زمینههای معرفتی و ارزشی طرد و انسان، تجربیات این جهانی و عقلورزی او، محور همه حوزههای معرفتی و ارزشی بشر گردید. در این

رویکرد، سخن هیچ کس جز دستاورد خود انسان حجیت ندارد (بوردو، ص 115).

لیبرالیسم و آزادی: وجوب آزادی برای دستیابی به اهداف مطلوب، مهمترین صفت لیبرالیسم است (Colton and Palmer, p.510). نگرانی عمیق برای آزادی فردی که خود بازتاب شرایط اجتماعی و سیاسی غرب قرون وسطی و دوره رنسانس بوده، الهام بخش مخالفت با آمریت مطلق شده است، چه آمریت دولت باشد، چه آمریت کلیسا یا حزب سیاسی. از دیدگاه هابز، آزادی به معنی فقدان موانع خارجی است که بخشی از قدرت انسان در انجام آنچه می-خواهد را سلب می‌کنند (آربلاستر، ص 83). آنچه ارتباط نزدیکی با آزادی فرد دارد آزادی انجمنی، به معنی تأسیس انواع انجمن سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی است که پیشبرد منافع مشروع اعضایش را هدف خود قرار بدهد (شاپیرو، ص 3-4).

آزادی اندیشه و بیان از همه آزادی‌های مدنی، ارزنده‌تر و گرانبهارتر است. لیبرال‌ها اعتقاد عمیق دارند که همه عقاید، حتی عقاید نادرست باید در بیان آزاد باشند. عقیده نادرست در تضارب آراء هم مفید است، چون موجب وضوح و تقویت عقیده حق می‌شود (همان، ص 6). مراد از آزادی در لیبرالیسم، آزادی از محدودیت‌های دولت است. آزادی لیبرال‌ها، به معنی آزادی از کنترل، اجبار، محدودیت و مداخله دولت است (نیویان، ص 76) و منظور از آزادی فرد معمولاً آزادی شخصی است. فرد باید حق داشته باشد اعتقادات خود را برگزیند، در ابراز این عقاید برای عموم آزاد باشد و بتواند بر اساس آنها عمل کند. البته تا جایی که با حقوق دیگران و چارچوب قوانین و نهادهای قانونی موجود سازگار باشد (آربلاستر، ص 87-86)؛ شاپیرو، ص 6). آنها معتقد نیستند که فرد حق بهره‌مندی مطلق از آزادی را دارد. تنها منظوری که به خاطر آن، قدرت می‌تواند به طور مشروع بر هریک از اعضای جامعه متمدن و بر اراده فرد اعمال شود این است که مانع زیان رساندن به دیگران شود (هی وود، ص 69).

برابری: یکی دیگر از اصول بنیادی لیبرالیسم اصل برابری انسان‌هاست. لیبرالیسم مدعی اصل

برابری حقوق انسان‌ها در همه جاست (شاپیرو، ص 5). برابری در محورهای زیر تبلور پیدا می‌کند:

الف. برابری حقوقی: همه در برابر قانون مساوی هستند و از حقی یکسان برخوردارند؛ ب. برابری اجتماعی: همه طبقات و گروه‌ها در فعالیت سیاسی برابرند؛

ج. برابری سیاسی: همه شهروندان در حق رأی برابرند، یعنی هر فرد یک رأی است و افراد در انتخاب شدن نیز برابرند (نوروزی، ص 138-139).

حقوق جدید بشر: لیبرالیسم قدیم عمدتاً به حمایت از فرد در مقابل اعمال خودسرانه حکومت می‌پرداخت، اما لیبرالیسم جدید از فرد در مقابل اعمال خودسرانه سازمان‌های خصوصی غیرسیاسی که می‌توانستند با به دست گرفتن وضعیت معاش افراد بر آنان مسلط شوند و ستم روا دارند نیز حمایت می‌کرد. دولت رفاه حقوق جدیدی را اعلام کرده بود که این حقوق عبارت‌اند از: حق کارکردن، حق داشتن دستمزد، حق دسترسی به همه سطوح آموزش، حق داشتن فرصت‌های برابر برای پیشرفت صرف نظر از نژاد دین و یا تبار ملی (شاپیرو، ص 43-42).

دین: می‌توان لیبرالیسم جدید را نوعی جنبش مذهبی به‌شمار آورد. رویکردهای لیبرالیستی به مرور از قیومیت کلیسا خارج و رفتارها آیین‌گریز شدند. در قرن هجدهم نویسندگان با رویکردی عقل‌گرایانه، انتقادات شدیدی به الهیات و اخلاق مذهبی (رایج در جوامع خود) وارد کردند و بنیان اخلاق را برداشتی غیر دینی از حقوق و تکالیف انسان‌ها قرار دادند. از این دیدگاه کلیسا نباید در پی تحمیل قواعد رفتاری برآید که عقل انسان، آنها را کشف نکرده است (بوردو، ص 115). عقل‌گرایی، تفکر لیبرال را به این برداشت رساند که دین امری خصوصی میان فرد و خداوند یا کلیسایش است. رفتار اجتماعی انسان می‌تواند تابع اعتقاد دینی‌اش باشد، اما این رویکردی شخصی است. جدایی اخلاق اجتماعی از دین، عدم دخالت کلیساها در ساماندهی روابط اجتماعی این جهانی را الزام‌آور می‌کرد (بوردو، ص 116). از نظر لیبرال‌ها دین عقیده‌ای همانند عقاید دیگر است که تحمل (مدارا) می‌شود و کلیسا نهادی

خصوصی است و آن را همانند همه نهادهای دیگر باید پذیرفت. لیبرالیسم همان‌طور که از آزادی بی اعتقادی دفاع کرده است، از آزادی اعتقاد نیز دفاع کرده است. از نظر لیبرال‌ها نیل به آزادی، مستلزم دنیوی یا غیردینی ساختن زندگی عمومی است. (شاپیرو، ص 7)

سکولاریسم: سکولاریسم در لغت به معنای «دنیا-گرایی، روح و تمایل دنیوی داشتن» است؛ اما در اصطلاح مباحث مدرنیته به معنای سیستمی از فلسفه اجتماعی یا سیاسی است که تمام اشکال ایمان مذهبی و نیز شخصیت‌های مذهبی را رد می‌کند و با پذیرش معنای لغوی، کاملاً دنیاگرا و دارای روح و تمایل دنیوی است (نبویان، ص 136). بر مبنای سکولاریسم می‌توان جهان را به‌طور کامل و تنها با استفاده از خود جهان شناخت و برای این هدف رجوع به امری غیر از خود جهان ضروری نیست. چگونگی عمل در دنیا و ارزش‌های تعیین‌کننده نقش انسان در دنیا با استناد به خود دنیا قابل کشف هستند.

در حالی‌که ایمان دینی بر این باور است که معنا و ارزش حقیقی زندگی در این جهان و به‌طور کلی ارزش و معنای کل هستی تنها با رجوع به حقیقتی قابل فهم و دریافت است که برتر از کل جهان می‌باشد. انسان (مورد نظر) مطلوب لیبرالیسم، انسان سکولار است. انسان سکولار به نیازهای نقد و این جهانی توجه دارد به امور معنوی و اخروی نظری نمی‌کند. همچنین سنت‌ها، آداب رایج، ارزش‌ها و هنجارهای ثابت و پایدار را تقدیس و تکریم نکرده و به آنها ارج نمی‌نهد. در هر شرایطی به نقد و ارزیابی سنت‌های دینی و غیردینی و ترک آنها می‌پردازد و به استقبال هر آنچه نو است می‌رود (همان، ص 135).

برای چنین انسانی معیار نقد و ارزیابی فقط عقل بشری، آن هم عقل حسابگر فایده‌گرا مبتنی بر حس و تجربه است و هیچ معیار دیگری پذیرفته نیست. مصلحت و غایت این انسان صرفاً مصلحت و غایت مادی و دنیوی است (همان، ص 135).

مفهوم خداوند: از دیدگاه لیبرالیسم، تلاش‌هایی که برای اثبات خدا انجام می‌گیرد، غیر معقول، غیر قابل تصدیق و حتی بی معنی است (Kurtz, 1994, p.50-51، به نقل از نبویان). لیبرالیسم معتقد است که نمی‌توان وجود خدا را اثبات کرد، چرا که

است و هیچ معرفت یقینی وجود ندارد (نبویان، ص68). لیبرالیسم با قبول سکولاریسم و نفی هر گونه تفسیر ماوراءطبیعی و تأکید بر تحلیل‌های این دنیایی و سکولار، خداوند را پدیده‌ای این دنیایی، غیر مجرد و طبیعی می‌داند. از دیدگاه انسان لیبرال، خدا همانا کارکرد دینداری بشر است (همان، ص273). تنها خدای راستین، آرمان دینی ماست که به شکل خدا تبلور یافته است. وقتی می‌گوییم خدا، مقصودمان هدف‌های اخلاقی و معنوی است که باید پی بگیریم. خدای راستین، خدا به مفهوم نوعی موجود ماورای طبیعی نیست، بلکه خدا به مفهوم آرمان دینی ماست (همان، ص334). در حقیقت واژه خدا یک واژه توصیفی نیست. بلکه صرفاً دارای نقش‌های ظریف روان‌شناسانه، اخلاقی، اجتماعی و وجودی در تجربه انسانی است (Kurtz, 1994, p.50-51، به نقل از نبویان). در لیبرالیسم چنین می‌اندیشیدند که خداوند، طبیعت را به مانند میانجی برگزیده تا خود را از طریق آن در نظر انسان‌ها متجلی سازد. در نتیجه شناخت قانون‌های طبیعی همان راهی بود که به کشف اراده الهی می‌انجامد. یعنی افراد به جای تلاش در جهت فهم متون مقدس یا از راه تأمل در گفته‌های پیامبران، بر این بودند، تا با بررسی مستقیم جهان، قانون‌های طبیعی را بفهمند (بوردو، ص 37).

امکان شناخت: مبنای معرفت‌شناسی لیبرالیسم، شکاکیت در معرفت و ادعای نفی معرفت یقینی است (آربلاستر، ص41 و رحیم‌پور ازغدی، ص90). به بیان دیگر از دیدگاه لیبرالیسم، هر شناختی مشکوک است و دستیابی به شناخت یقینی ممکن نیست. تشکیک در هر امری و قابل رد و ابطال دانستن آن، از اجزای اصلی معرفت‌شناسی لیبرالیسم است (نبویان، ص 49؛ Feher, p. 48).

ابزار شناخت: اعتماد فوق‌العاده به عقل بشر در شناخت جهان، از ارکان اصلی معرفت‌شناسی لیبرالیسم است. کانت در مقاله «روشنگری چیست؟» مدعی شد که مهم‌ترین شعار دوره روشنگری این بوده است که «جرات دانستن داشته باش» (رحیم‌پور ازغدی، ص91). آنچه راسیونالیسم مفرط خوانده می‌شود، پشت کردن به عاطفه و روی آوردن به عقل و نیز پشت کردن به

وحي، هدايت ديني ولايت واليان فكري و كليسايي و نفي مقدسات ديني و حقوق و امتيازات الهي، از همين شعار «جرات دانستن داشته باش» استخراج مي‌شود (سروش، ص 121-122؛ شاپيرو، ص 7). از نگاه ليبراليسم معرفت آن است که در ما قدرت پيش‌بيني و قدرت ضبط و مهار طبيعت را ايجاد مي‌کند، تا بتوانيم زندگي راحت‌تر و مطمئن‌تري داشته باشيم. در نتيجه بايد گفت که ارزش معرفت یک ارزش ابزاري است (نبويان، ص 50).

ليبراليسم و حکومت: يکي از مباني ليبراليسم اين است که خداوند حق حکومت ندارد و هيچ انساني نبايد با عنوان حق الهي اعمال حاکميت کند. ما مي‌توانيم براي خود و جامعه هر تصميمي که مایل باشيم بگيريم. حق مطلق انتخاب و آزادي مطلق عمل که مهم‌ترين حقوق ليبرالي است، هر گونه قيد عقلي و اخلاقي براي اميال و رفتار بشري را مي‌زند. اين ایده در فلسفه سياسي منجر به تفکيک حکومت و قوانين از وحي الهي شده است و منشأ حق حاکميت و حکومت را صرفاً مادي و بشري مي‌داند و با حکومت خدا بر زمين مخالف است (رحيم پور ازغدي، ص 97). از ديده‌گاه ليبرال‌ها غرض اصلي از حکومت پاسداري از آزادي، برابري و امنيت همه شهروندان است. حکومت ليبرال چه در شکل سنتي و چه در شکل جمهوري، مبتني بر حکومت قانون است، قانون مصوب قانونگذاراني که در انتخاباتي آزاد برگزيده شده‌اند. بنابراین از ديده‌گاه ليبراليسم هيچ حکومتي مشروع نيست مگر اينکه مبتني بر رضايت و خواست حکومت شونندگان باشد (شاپيرو، ص 5).

دولت ليبرال: در دولت ليبرال حکومت با رضايت و خواست حکومت شونندگان، جلوگیری از استبداد فردي و گروهی، با نظام تحديد و توزيع قوا (سه گانه)، قانونگذاري به وسيله نمايندگان قانونگذار، حمايت از آزادي مدني يا حقوق طبيعي بشر، سازگاري آزادي با امریت، به وجود آوردن اجتماعي اخلاقي که اعضاي آن در اهداف مشترک پيش روند، رفاه عمومي براي همه، اصولي است که اعضاي جامعه را با يکديگر پيوند مي‌دهد. دولت ليبرال، چه به شکل جمهوري يا سلطنتي، قدرتي به وجود آورد که تا آن زمان

ناشناخته بود و آن قدرت انعطافپذیری سیاسی برای منطبق ساختن خود با اوضاع و شرایط در حال تغییر بود. برخلاف دولت مطلقه، دولت لیبرال تمهیداتی برای تغییرات آرام از طریق انتخابات دوره‌ای به وجود آورده است. بنابراین حاکمیت پایدار و دائمی یک سلیقه خاص یا فرد خودبرگزیده را ناممکن ساخته است (Gould, p.3؛ شاپیرو، ص 35-39).

دموکراسی: دموکراسی به معنای حکومت مردم و یا حکومت توسط مردم است. شاخص و مبناي اصلی دموکراسی، اعتقاد به قانون‌گذاری توسط بشر به جای پیروی از شریعت و قانون الهی و آسمانی است، که در پروسه تحقق و عینیت خود وظیفه این قانون‌گذاری و سپس اعمال قدرت بر اساس آن را به عقل منقطع از وحی افراد بشری می‌سپارد. دموکراسی در یونان باستان، اساساً بر پایه روی‌گردانی از مواریت دینی و مبنا قرار دادن عقل منقطع از وحی تأسیس شد و در دوران پس از رنسانس هم، دموکراسی بر پایه عقلانیت سکولار اومانیستی مدرن و با انکار کامل تفکر دینی و شریعت آسمانی، سامان گرفته است و بسط می‌یابد (زرشناس، ص 9).

ویژگی های انسان لیبرال

عقلانیت: یکی از ویژگی‌های انسان مطلوب لیبرالیسم، عقلانیت او در زندگی است. اعتماد فوق‌العاده به عقل بشر در شناخت جهان، از ارکان اصلی معرفت‌شناسی لیبرالیسم است (نبویان، ص 50). در لیبرالیسم چون انسان ذاتاً موجودی عاقل است آزادی اندیشه اهمیت می‌یابد (شاپیرو، ص 7). گرامشی می‌گوید آنچه با هدف یا امر اقتصادی سازگار است، عقلانی است. ماکس وبر معتقد است عقلانی شدن عبارت از سازمان دادن زندگی به وسیله تقسیم و همسازی فعالیت‌های گوناگون، بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان‌ها با ابزارها و محیطشان، به منظور تحصیل کارایی و بازدهی بیشتر است (فروند، 24). بنابراین رفتار عقلانی رفتاری است که منجر به کارایی و بازدهی بیشتر گردد.

اخلاق لیبرالی: اخلاق لیبرالی اخلاقی است دقیقاً فردی. چون انسان موجودی برخوردار از عقل است

هیچ اقتداری بر او تحمیل‌شدنی نیست، چون انسان موجودی است خردمند تعیین آگاهانه رفتار اجتماعی‌اش بر عهده خود اوست (شاپیرو، ص 118). هیچ یک از شکل‌های قدرت سنتی یا نهادی، خواه دنیوی یا دینی، نمی‌توانند به وضع قواعد اخلاقی بپردازند. فرد باید خود ارزش‌های خویش را برگزیند و خود، اخلاقیات خویش را مشخص کند. البته این‌کار را به روشی معقول انجام می‌دهد (آربلاستر، ص 22-23، به نقل از نبویان). بنابراین، این اخلاقی نیست که از بیرون به فرد تحمیل شود، بلکه فرد نخست در خویشتن خویش احکام آن را کشف می‌کند و سپس شعور وی مسئولیت تضمین کاربست آنها را برای زندگی در جامعه مدنی به دوش می‌گیرد (شاپیرو، ص 118).

تساهل (مدارا): تساهل یعنی مدارا، آمادگی برای اینکه به مردم اجازه داده شود که به طریقی سخن بگویند و عمل کنند که مطلوب ما نباشد. بدین سان، تساهل یک آرمان اخلاقی و ضمناً یک اصل اجتماعی است که به اصل آزادی برمی‌گردد. اصول اخلاقی و اجتماعی لیبرالیسم را می‌توان با آمادگی آن برای پذیرش و حتی ستایش از تنوع اخلاقی و فرهنگی و سیاسی، کاملاً مشخص کرد (نبویان، ص 79). آزادی‌های مقدس مدنی که پایه آزادی‌های سیاسی لیبرال-دموکراسی را به وجود می‌آوردند، آزادی بیان، اجتماعات، پرستش دینی و مذهبی و مانند آنها دستاوردهای تساهل و مدارا هستند. لیبرال‌ها اساساً با سانسور یا هر اقدام دیگر برای جلوگیری از آزادی بیان عقاید در جامعه مخالفند (هی وود، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص 80، همو، مقدمه نظریه سیاسی، ص 405). جان لاک می‌گوید: وظیفه درست دولت حمایت از جان، مال و آزادی است و هیچ‌گونه حقی برای مداخله در مراقبت از روح انسان‌ها ندارد (هی وود، مقدمه نظریه سیاسی، ص 399).

لیبرالیسم و ترقی: لیبرالیسم به دلیل نگرش دنیوی خود، هرکوشی می‌کند تا جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم به جایی بهتر تبدیل کند. از نظر لیبرالیسم انسان، نادان متولد می‌شود، نه خطاکار، بنابراین برای اصلاح این وضع لازم است، تا بر دانش خود بیفزاید و جامعه‌ای بسازد که مروج و به وجود آورنده صلاح

و نیکبختی و اراده خیر باشد. انسان همواره به صورت یکنواخت، مداوم و ناگزیر به سوی تمدنی بهتر پیش می‌رود، روندی که تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد. انسان فقط با کوشش خود می‌تواند زندگی بهتری برای خودش به وجود آورد. اعتقاد به ترقی، الهام بخش لیبرال‌ها در طرفداری از هر نوع اصلاحاتی بود که به زعم خودشان جامعه خوب آینده را به وجود می‌آورد (شاپیرو، ص 8-7).

فردباوری: فردباوری لیبرالی، ارزش مطلق هستی فردی را مطرح می‌کند. جریان‌های فکری گوناگونی در روند تحولی طولانی در استوار گرداندن این اعتقاد سهیم بوده‌اند. جریان اصلاح دینی که به‌رغم خوار شمردن انسان، در آگاهی به حقارت خویش با برقراری رابطه بی‌میانجی میان خالق و مخلوق، انسان را در موضع هم سخنی با الوهیت قرار می‌دهد. جریان اومانستی که با دنبال کردن فلسفه یونانی انسان را میزان هر چیز می‌داند و جریان خرد باوری که فرد را به مشارکت در به کمال رساندن عقل در خود نهفته‌اش فرا می‌خواند (بوردو، ص 93).

هدف زندگی انسان: لیبرال‌ها معتقدند، هدف انسان از زندگی پرستش و عشق بی‌واسطه به خداوند نیست، بلکه، عملی کردن برنامه‌هایی است که توسط دو عنصر عقل و تخیل فراهم آمده است و مخصوص این جهان است (نیویان، ص 39). بنابراین لیبرالیسم برای انسان آرمان و هدف نیز قائل است، اما هیچ‌گاه این آرمان را فراتر از حد انسان موجود نمی‌برد و انسان مطلوب خود را در آسمان نمی‌نشانند (رحیم پور ازغدی، ص 112).

در این بخش تلاش کردیم اصول اعتقادی لیبرالیسم در باره محوریت انسان، آزادی، برابری، دین، سکولاریسم، خداوند، شناخت و ابزار آن، حکومت، دولت لیبرال، دموکراسی و ویژگی‌های انسان لیبرال که شامل عقلانیت، اخلاق لیبرالی، تساهل،

فردباوری و هدف زندگی انسان را بررسی نظری کنیم. اکنون چگونگی سنجش و اندازه‌گیری اعتقاد دانشجویان به این باورها را ارائه خواهیم کرد.

روش تحقیق

www.SID.ir

در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده تا ابعاد مختلف موضوع بررسی شود. جمع آوری اطلاعات و داده‌ها با شیوه مصاحبه کتبی و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است.

ابزار سنجش

در این بررسی از پرسشنامه به عنوان ابزار سنجش استفاده شد. متناسب با تئوری‌ها، متغیرها و معرفه‌های آنها که از نظریات و دیدگاه‌های مطرح در باره لیبرالیسم گرفته شده بودند و با در نظر گرفتن شرایط خاص دانشگاه‌های ما پرسشنامه‌ای متشکل از تعدادی پرسش و گویه برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش در نظر گرفته شد. اعتبار و روایی و همچنین اعتبار سازه شاخص‌های آنها با بررسی همبستگی درونی و همچنین با استفاده از روش تحلیل عاملی بررسی شده که برای رعایت اختصار فقط اعتبار شاخص لیبرالیسم ارائه خواهد شد. در تمامی مواردی که رابطه شاخص اعتقاد به لیبرالیسم و ویژگی‌های فردی یا پیامدهای آن بررسی شده‌اند. این نتایج معنی‌دار بوده و قابلیت تعمیم از جمعیت نمونه به جمعیت تحقیق وجود دارد.

جمعیت تحقیق، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت مورد بررسی، کلیه دانشجویان پنج دانشگاه تهران، شهید بهشتی، شریف، علوم پزشکی شهید بهشتی و هنر است و جمعیت نمونه آن نیز به ازای هر دانشکده این دانشگاه‌ها 30 تا 60 دانشجویست که با روش نمونه‌گیری اتفاقی نامنظم انتخاب شدند. از 1470 دانشجویی که در تحقیق مشارکت داشتند، 51/7 درصد از افراد مرد و 48/3 درصد زن بودند. 23 درصد این دانشجویان در دانشگاه شهید بهشتی، 18/4 درصد در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، 29/4 درصد در دانشگاه تهران، 27 درصد در دانشگاه شریف و 1/5 درصد در دانشگاه هنر تحصیل می‌کرده‌اند. 28/9 درصد از پاسخگویان در شاخه علمی علوم انسانی، 11/8 درصد علوم پایه، 26/8 درصد فنی و مهندسی، 18/9 درصد پزشکی، 8/1 درصد کشاورزی، 5/4 درصد هنر توزیع شده‌اند. پرسشگران برای انتخاب دانشجویان به

آنها مراجعه کرده و پس از چند پرسش که برای رعایت شرایط نمونه‌گیری پرسیده می‌شد، در صورتی که واجد شرایط بودند، برای تکمیل پرسشنامه توجیه می‌شدند و با نظارت پرسشگران آن را تکمیل می‌کردند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

آنچه در این تحقیق آمده بخشی از یک تحقیق وسیع‌تر در باره توسعه آموزش عالی ایران است، برای رعایت اختصار و متناسب با ظرفیت مقاله در توضیح متغیرهای بررسی شده فقط شاخص اعتقاد به لیبرالیسم و اجزای آن تشریح می‌شود و از توصیف عوامل و پیامدها خودداری و فقط به ذکر روابط آنها با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم بسنده می‌شود. نکته قابل توجه دیگر آن است که در تحلیل روابط بین متغیرها فقط به تحلیل همبستگی پرداخته شده و مقاله مدعی وجود رابطه علی بین متغیرها نیست. همچنین اعتبار و روایی تمامی شاخص‌های مورد استفاده به‌دقت مورد توجه بوده و همه آنها در حد قابل قبول آماری است.

روش تحقیق و چگونگی بررسی پذیرش عقاید و باورهای لیبرالیسم

در این تحقیق، عناصر عقاید و باورهای لیبرالیسم را با پانزده گویه متشکل از جفت صفت‌های متضاد در سطح سنجش ترتیبی ارزیابی کردیم. محتوی گویه‌ها به گونه‌ای تدوین شده بود که یک طرف آن یکی از وجوه اعتقادی لیبرالیسم و طرف دیگر آن همان عنصر اعتقادی را از دیدگاه اسلام می‌سنجید. برای مثال:

انسان موجودی معقول و تابع مقدرات الهی است	$\begin{array}{ccccccc} & & & 3 & & & \\ & & & & & & \\ & & 2 & - & 1 & - & 0 & - & 1 & - & 2 \\ & & & & & & 3 & - & & & \end{array}$	انسان موجودی معقول وجدا از مقدرات الهی است
--	---	---

انتخاب این شیوه به آن دلیل است که پاسخگو همزمان با هر دو وجه اعتقادی مواجه و آن وجهی را که بیشتر قبول دارد انتخاب و شدت آن را نیز تعیین کند. انتخاب نمره صفر به معنی پذیرش هر دو جمله به یک اندازه و یا رد هر دو جمله است و انتخاب نمره 3 در هر طرف به معنی پذیرش قوی جمله همان طرف است. با توجه به مهم‌ترین ویژگی‌های اعتقادی لیبرالیسم که در بخش نظری مقاله بیان شد، عقاید،

باورها و گویه‌هایی که آنها را می‌سنجند به این شرح هستند:

- انسان محوری: (سرنوشت هرکسی به دست خودش تعیین می‌شود)، (انسان محور و صاحب هستی است) (انسان آزاد است که هر طور بخواهد زندگی کند) (همه امکانات دنیا برای این است که انسان استفاده کند و راحت باشد)؛
 - عقل‌گرایی: (انسان موجودی معقول و جدا از مقدرات الهیاتی است) (عقل انسان برای تشخیص و اداره امور خود کافی است و به وحی نیاز ندارد)؛
 - اهمیت آزادی: (به کسی رأی می‌دهم که واقعاً بخواهد به مردم آزادی کامل بدهد) (مشکل اصلی مردم کشور ما نداشتن آزادی است)؛
 - خصوصی بودن دین: (دین و دینداری یک امر کاملاً فردی و خصوصی است و نباید جامعه را بر مبنای دین اداره کنند) (لازم نیست جامعه را بر اساس قوانین دین اداره کنند)؛
 - سکولاریسم: (هر اتفاقی در این دنیا می‌افتد دلیلش در همین دنیاست و ربطی به عوامل فوق طبیعی ندارد)؛
 - باور به عقلانیت ابزاری (حساب‌گرانه): (هدف انسان، راحت‌تر زندگی کردن است و رفتاری عقلانی است که باعث شود، با کمترین هزینه انسان به این هدفش برسد) (اگر من نامزد انتخابات باشم و رقیبم از راه‌های نادرست رأی جمع کند، اگر شکست بخورم من هم مثل او رفتار می‌کنم)؛
 - نظام سیاسی مطلوب: (جمهوری بهترین نوع حکومت است)؛
 - نظام اقتصادی مطلوب: (نظام اقتصادی مبتنی بر بازار (غرب) بهترین نظام اقتصادی برای اداره کشور است).
- برخی از گویه‌ها دارای پاسخ 6 قسمتی و برخی 7 قسمتی بوده و در تشکیل شاخص هر دو نوع جمله حضور داشته‌اند، برای یکسان‌سازی از مخرج مشترک آنها استفاده کرده‌ایم. از تجمیع این گویه‌ها شاخص اعتقاد به لیبرالیسم به وجود آمده است. هر پاسخگو می‌توانست در این شاخص حداقل 1/5 و حداکثر 10 نمره از اعتقاد به لیبرالیسم کسب کند.

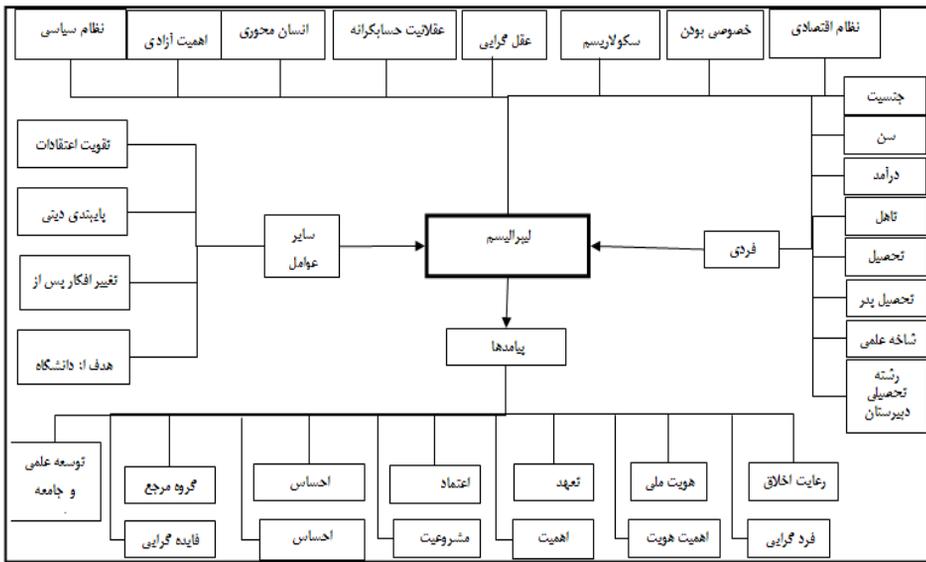
اعتبار و روایی شاخص اعتقاد به لیبرالیسم برای بررسی اعتبار سازه شاخص اعتقاد به لیبرالیسم، همبستگی درونی اجزا و تحلیل عاملی آنها محاسبه شده است. در همبستگی درونی تمامی گویه‌ها، بدون اینکه در جمع وجود داشته باشند، با مجموع گویه‌های دیگر رابطه معنی‌دار داشتند. به علاوه ضریب الفای کرونباخ اجزای شاخص 0/87 شده است که نشان‌دهنده رابطه بسیار قوی میان اجزا و تناسب آنها برای سنجش اعتقاد به لیبرالیسم است. در تحلیل عاملی نیز تمامی اجزا در عامل‌های مورد نظر قرار گرفته و هیچ یک از آنها حذف نمی‌شده‌اند. مقدار ($KMO = 0/827$) است (جدول 1).

علل و پیامدهای اعتقاد به لیبرالیسم همان‌طور که اشاره شد در این تحقیق علاوه بر سنجش میزان اعتقاد به لیبرالیسم برخی علل و پیامدهای آن نیز بررسی شده است. رابطه میزان اعتقاد به لیبرالیسم با رعایت اخلاق کاری، احساس مسئولیت در کار، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی، فردگرایی، فایده‌گرایی، خودی بودن گروه مرجع، مشروعیت نظام سیاسی، احساس مسئولیت در برابر انقلاب، اهمیت هویت ایرانی و اسلامی و توسعه یافتگی علمی دانشجویان تحلیل همبستگی شده، به این معنی که تغییرات اعتقاد به لیبرالیسم با چگونگی تغییرات اعتقادی و رفتاری و همچنین ویژگی‌های فردی پاسخگویان نیز بررسی شده است. مدل (1) معرفت‌های لیبرالیسم، علل و پیامدهای بررسی شده در این تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول 1. همبستگی درونی و ضریب آلفای کرونباخ شاخص اعتقاد به لیبرالیسم

سطح معنی داری	همبستگی درونی گویه	اجزای تشکیل دهنده شاخص اعتقاد به لیبرالیسم
$sig = 0/000$	$r = 0/48$	انسان محور و صاحب هستی و نه مخلوق خداوند
$sig = 0/000$	$r = 0/26$	تعیین سرنوشت توسط خود افراد در مقابل تعیین سرنوشت افراد توسط خداوند
$sig = 0/000$	$r = 0/72$	آزادی انسان در شیوه زندگی مطابق میل خود و نه مطابق با دستورات دین
$sig = 0/000$	$r = 0/66$	امکانات دنیا برای راحتی انسان نه برای بندگی خداوند
$sig = 0/000$	$r = 0/61$	کفایت عقل و عدم پذیرش مقدرات الهی
$sig = 0/000$	$r = 0/64$	کفایت عقل و عدم نیاز به وحی
$sig = 0/000$	$r = 0/53$	اهمیت آزادی (1)
$sig = 0/000$	$r = 0/45$	اهمیت آزادی (2)
$sig = 0/000$	$r = 0/65$	ترجیح نظام سیاسی جمهوری در مقابل جمهوری اسلامی
$sig = 0/000$	$r = 0/56$	ترجیح نظام اقتصادی مبتنی بر بازار (غربی) در مقابل نظام اقتصادی اسلامی
$sig = 0/000$	$r = 0/69$	خصوصی بودن دین (1)
$sig = 0/000$	$r = 0/69$	خصوصی بودن دین (2)
$sig = 0/000$	$r = 0/51$	سکولاریسم
$sig = 0/000$	$r = 0/26$	رسیدن به هدف با کمترین هزینه
$sig = 0/000$	$r = 0/17$	توجه وسیله با هدف
	1286	تعداد
	$\alpha = 0/87$	ضریب آلفای کرونباخ

مدل 1. اعتقاد به لیبرالیسم، معرفها، علل و پیامدهای آن



نتایج و یافته‌های تحقیق

پذیرش اعتقاد به لیبرالیسم: اشاره کردیم که در این تحقیق که خود بخشی از یک تحقیق نسبتاً جامع در باره دانشگاه‌های ایران است میزان اعتقاد به لیبرالیسم بررسی شده است. در این بخش به بیان نتایج این بررسی می‌پردازیم:

انسان‌محوری: یکی از ابعاد مهم لیبرالیسم انسان-محوری است که با چهار گویه زیر سنجیده شده است. متن کامل گویه‌های متضاد که مبتنی بر عقاید لیبرال که بعضاً در مقابل عقاید اسلامی هستند و همچنین میزان و شدت پذیرش آنها در جدول (2) آمده است.

انسان محور و صاحب هستی و نه مخلوق خداوند: اعتقاد به انسان محور بودن هستی در $8/6$ درصد از پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، $5/1$ درصد خیلی زیاد، $4/7$ درصد زیاد، $15/4$ درصد متوسط، $7/5$ درصد کم، $13/8$ درصد خیلی کم و $44/9$ درصد خیلی خیلی کم است. به‌طور متوسط میزان این اعتقاد بین دانشجویان $2/7$ از 7 است که بین خیلی کم تا کم قرار می‌گیرد (جدول 2).

تعیین سرنوشت توسط خود افراد در مقابل تعیین سرنوشت افراد توسط خداوند: $36/1$ درصد پاسخگویان به میزان خیلی خیلی زیاد، $14/9$ درصد خیلی زیاد، 8 درصد زیاد، $20/8$ درصد متوسط، $4/7$ درصد کم، $5/4$ درصد خیلی کم و

10/1 درصد خیلی خیلی کم بر این باور هستند که سرنوشت انسان به دست خودش تعیین می‌شود. به طور متوسط میزان اعتقاد به این باور 5 از 7 است. یعنی افراد بین زیاد تا خیلی زیاد معتقدند که انسان سرنوشت خودش را تعیین می‌کند و نه خداوند (جدول 2).

آزادی انسان در شیوه زندگی مطابق میل خود و نه مطابق دستورات دین: 20/2 درصد از پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، 10 درصد خیلی زیاد، 8/2 درصد زیاد، 14/9 درصد متوسط، 10/3 درصد کم، 12/4 درصد خیلی کم و 24/1 و 24/1 درصد خیلی خیلی کم است. به طور متوسط میزان اعتقاد به آزادی انسان در زندگی مطابق میل خود 3/81 از 7 است که بین کم تا متوسط قرار می‌گیرد (جدول 2).

جدول 2. میزان اعتقاد به لیبرالیسم

انحراف معیار	میانگین	عقاید لیبرالیسم غیر	-3	-2	-1	0	1	2	3	عقاید لیبرالیسم
006 2/2	2/7	انسان مخلوقات است ولی صاحب هستی نیست	9/4 4/4	13/8	7/5	4/1 1/5	4/7	5/1	8/6	انسان محور و صاحب هستی است
/02 2	5/002	سرنوشت همه ما را خدا تعیین میکند	1/1 1/0	5/4	4/7	8/2 2/0	8	9/1 1/4	1/3 3/6	سرنوشت هرکسی بدست خودش تعیین می شود
/24 2	3/81	انسان باید در چهارچوب دستورات دین زندگی کند	1/2 2/4	12/4	3/1 3/0	9/1 1/4	8/2	10	2/2 2/0	انسان آزاد است که هر طور بخواهد زندگی کند
/17 2	3/64	همه امکاناتی که در دنیا هست برای این انسان استفاده کند و بندگی خدا را بجا آورد	8/2 2/5	12/5	8/5	3/2 2/0	6/8	9/7	4/1 1/6	همه امکانات که در دنیا هست برای این انسان استفاده کند و راحت باشد
/86 1	2/83	انسان موجودی معقول و تابع مقدرات الهیاتی است	4/3 3/4	18/2	4/1 4/2	4/1 1/8	5/3	3/9	7/5	انسان موجودی معقول و جدا از مقدرات الهیاتی است
/01 2	3/13	عقل انسان برای تشخیص و اداره امور انسان کافی نیست و به وحی هم نیاز دارد.	6/3 3/0	16/7	8/1 8/0	8/1 1/9	5/2	6/3	6/1 0/0	عقل انسان برای تشخیص و اداره امور انسان کافی است و به وحی نیاز ندارد.
/24 2	3/85	مردم مشکلات مهمتری از آزادی دارند	2/2 2/4	11/3	8/7	8/1 1/6	8/5	10	4/2 2/0	مشکل اصلی مردم کشور ما نداشتن آزادی است (1)
/21 2	4/36	جمهوری اسلامی بهترین نوع حکومت است	4/1 1/8	7/9	4/7	24	6/6	4/1 1/0	1/2 2/8	جمهوری بهترین نوع حکومت است
/09 2	3/85	نظام اقتصادی اسلام بهترین نظام اقتصادی برای اداره کشور است	8/2 2/1	9/2	7/9	5/2 2/7	6/7	10	8/1 1/6	نظام اقتصادی مبتنی بر بازار (مثل غرب) بهترین نظام اقتصادی برای اداره کشور است
/33 2	3/98	باید جامعه را بر اساس قوانین دین اداره کنند	2/2 2/6	8/4	7/2	9/1 1/5	8/1	8/1 1/9	3/2 2/4	لازم نیست جامعه را با قوانین دین اداره کنند

امکانات دنیا برای راحتی انسان نه برای بندگی خداوند: در مجموع 16/4 درصد افراد به میزان خیلی خیلی زیاد، 9/7 درصد خیلی زیاد، 6/8 درصد زیاد، 20/3 درصد متوسط، 8/5 درصد کم، 12/5 درصد خیلی کم و 25/8 درصد خیلی خیلی کم بر این باور هستند که همه امکانات در این دنیا برای راحتی انسان است. به طور متوسط میزان اعتقاد به این باور 3/64 از 7 است. یعنی افراد بین کم تا متوسط به این عقیده هستند که همه

امکانات در دنیا برای راحتی انسان است (جدول 2).

عقل گرایی: بعد دیگر لیبرالیسم تأکید بر توان عقلانی انسان (تأکید بیش از حد بر عقل و کافی و معتبر دانستن آن برای شناخت انسان و تمامی پدیده‌های دیگر مرتبط با او) و عدم نیاز آن به شناخت مبتنی بر وحی است که با دو گویه بررسی شده است:

کفایت عقل و عدم پذیرش مقدرات الهی: در مجموع 20/2 درصد افراد خیلی خیلی زیاد، 10 درصد خیلی زیاد، 8/2 درصد زیاد، 14/9 درصد متوسط، 10/3 درصد کم، 12/4 درصد خیلی کم و 24/1 درصد خیلی خیلی کم انسان را موجودی معقول و جدا از مقدرات الهی می‌دانند. به‌طور متوسط میزان اعتقاد به این باور 2/83 از 7 است که بین کم تا متوسط قرار می‌گیرد (جدول 2).

کفایت عقل و عدم نیاز به وحی: میزان موافقت با کفایت عقل برای تشخیص امور و عدم نیاز به وحی نزد 10/6 درصد از پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، 6/3 درصد خیلی زیاد، 5/2 درصد زیاد، 19/8 درصد متوسط، 10/8 درصد کم، 16/7 درصد خیلی کم و 30/6 درصد خیلی خیلی کم است. به‌طور متوسط میزان موافقت با این اعتقاد 3/13 از 7 است که بین کم تا متوسط می‌باشد (جدول 2).

اهمیت آزادی: ارزشمندی و اهمیت آزادی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های اعتقادی لیبرالیسم است. این باور با یک جفت صفتهای متضاد و یک گویه سنجیده شده است:

اهمیت آزادی (1): 20/4 درصد افراد خیلی خیلی زیاد، 10 درصد خیلی زیاد، 8/5 درصد زیاد، 16/8 درصد متوسط، 8/7 درصد کم، 11/3 درصد خیلی کم و 24/2 درصد خیلی خیلی کم معتقد هستند که مشکل اصلی کشور نبود آزادی است. به‌طور متوسط میزان اعتقاد به نبودن آزادی به عنوان مهم‌ترین مشکل کشور ما 3/85 از 7 است. یعنی به میزان کم تا متوسط، پاسخگویان نبود آزادی را مشکل اصلی مردم کشور می‌دانند (جدول 2).

اهمیت آزادی (2): اهمیت آزادی به عنوان یک ضابطه برای انتخاب مسئولان کشور، به‌ویژه رئیس‌جمهور معرف مناسبی است که اهمیت آزادی را برای افراد نشان می‌دهد. پاسخگویان

موافقت خود را با گویه " به کسی رأی می‌دهم که واقعا بخواهد به مردم آزادی کامل بدهد" را روی یک پیوستار 6 قسمتی بیان کردند. 33/7 درصد پاسخگویان با این گویه خیلی خیلی زیاد، 19/2 درصد خیلی زیاد، 22/1 درصد زیاد، 15/3 درصد کم، 4/6 درصد خیلی کم موافق بوده‌اند و 5/1 درصد اصلاً موافق نبوده‌اند. به‌طور متوسط موافقت با این گویه 4/46 از 6 است که بین زیاد تا خیلی زیاد قرار می‌گیرد (جدول 2).

تأکید بر نظام سیاسی مبتنی بر جمهوریت و نظام اقتصادی مبتنی بر بازار که تبلور اجتماعی تفکر لیبرالی است و ریشه هر دو تأکید بر عقل‌گرایی به معنی کفایت عقل انسان برای شناخت دارد با دو گویه ذیل سنجیده شده است:

ترجیح نظام سیاسی جمهوری در مقابل جمهوری اسلامی: ترجیح حکومت جمهوری در مقایسه با جمهوری اسلامی برای 28/1 درصد از پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، 10/4 درصد خیلی زیاد، 6/6 درصد زیاد، 24 درصد متوسط، 4/7 درصد کم، 7/9 درصد خیلی کم و 18/4 درصد خیلی خیلی کم است. به‌طور متوسط میزان ترجیح حکومت جمهوری در مقایسه با جمهوری اسلامی 4/36 از 7 است که بین متوسط تا زیاد قرار

می‌گیرد (جدول 2).

ترجیح نظام اقتصادی مبتنی بر بازار (غرب) در مقابل نظام اقتصادی اسلامی: ترجیح اداره نظام اقتصادی بر اساس بازار (مانند غرب) در مقایسه با نظام اقتصادی اسلامی برای 16/8 درصد از پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، 10 درصد خیلی زیاد، 6/7 درصد زیاد، 27/5 درصد متوسط، 7/9 درصد کم، 9/2 درصد خیلی کم و 21/8 درصد خیلی خیلی کم است. به‌طور متوسط میزان موافقت با نظام اقتصادی مبتنی بر بازار (مثل غرب) در مقایسه با نظام اقتصادی اسلامی 3/85 از 7 است. یعنی میزان ترجیح نظام اقتصادی مبتنی بر بازار (مثل غرب) بین کم تا متوسط بوده است (جدول 2).

خصوصی بودن دین: خصوصی بودن دین از دیگر ابعاد مهم اعتقاد به لیبرالیسم است که با دو گویه سنجیده شده است.

خصوصی بودن دین (1): اولین گویه عبارت است از: " لازم نیست جامعه را بر اساس قوانین دین اداره کنند" در مجموع 24/30 درصد افراد خیلی خیلی زیاد، 9/8

درصد خیلی زیاد، 8/1 درصد زیاد، 15/9 درصد متوسط، 7/2 درصد کم، 8/4 درصد خیلی کم و 26/2 درصد خیلی خیلی کم، اعتقاد به عدم لزوم اداره جامعه بر اساس قوانین دین دارند. به طور متوسط میزان این اعتقاد 3/98 است. یعنی میزان اعتقاد به عدم لزوم اداره جامعه بر اساس قوانین دین کم تا متوسط بوده است (جدول 2).

خصوصی بودن دین (2): اعتقاد به خصوصی یا فردی بودن دین و عدم اداره جامعه بر مبنای دین از دیگر ابعاد مهم لیبرالیسم است که اینگونه پرسیده شده است: "دین و دینداری یک امر کاملاً فردی و خصوصی است و نباید جامعه را بر مبنای دین اداره کنند." میزان اعتقاد به خصوصی بودن دین بین پاسخگویان این گونه است: 31/5 درصد خیلی خیلی زیاد، 11/3 درصد خیلی زیاد، 13/5 درصد زیاد، 16/8 درصد کم، 9/2 درصد خیلی کم بوده است و 17/6 درصد اصلاً به خصوصی بودن دین اعتقاد نداشته اند. به طور متوسط میزان اعتقاد به خصوصی بودن دین 3/86 از 6 است و بین کم تا زیاد قرار می گیرد (جدول 3).

جدول 3. درصد، میانگین و انحراف معیار اجزای تشکیل دهنده اعتقاد به لیبرالیسم

انحراف معیار	میانگین	طبقات پاسخ						اجزای شاخص اعتقاد به لیبرالیسم	
		تعداد	اصلاً	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد		
1/86	3/86	1457	17/6	9/2	16/8	13/5	11/3	31/5	خصوصی بودن دین
1/68	3/05	1446	25/8	14/8	22/4	14	10/8	12/2	سکولاریسم
1/45	4/46	1443	5/1	4/6	15/3	22/1	19/2	33/7	اهمیت آزادی (2)
1/46	3/87	1442	9/4	7/6	20/2	28/3	18/8	15/8	رسیدن به راحتی با کمترین هزینه
1/41	2/23	1435	41	24/8	17/6	7/8	3/6	5/2	توجیه وسیله با هدف
1/48	3/32	1328	10/2	20/9	22/1	25/4	15/5	5/9	شاخص اعتقاد به لیبرالیسم

سکولاریسم: سکولاریسم نیز از ابعاد زیربنایی لیبرالیسم است که اینگونه سنجیده شده است:

"هر اتفاقی در این دنیا می‌افتد دلیلش در همین دنیاست و ربطی به عوامل فوق طبیعی ندارد." در مجموع میزان اعتقاد به سکولاریسم $12/2$ درصد خیلی خیلی زیاد، $10/8$ درصد خیلی زیاد، 14 درصد زیاد، $22/4$ درصد کم، $14/8$ درصد خیلی کم است و $25/8$ درصد اصلاً به سکولاریسم اعتقاد نداشته‌اند. به‌طور متوسط میزان اعتقاد به سکولاریسم $3/05$ است که بین کم تا زیاد قرار می‌گیرد (جدول 3).

عقلانیت در رفتار: یکی دیگر از ابعاد لیبرالیسم عقلانیت در رفتار یا رفتار حسابگرانه است و مناسبترین معرف‌های آن دستیابی به رفاه و راحتی به عنوان هدف زندگی انسان با کمترین هزینه و دستیابی به اهداف با هر وسیله ممکن یا توجیه شدن وسیله با هدف است که با دو گویه ذیل سنجیده شده است:

هدف زندگی انسان رسیدن به راحتی با کمترین هزینه با گویه "هدف انسان، راحت‌تر زندگی کردن است و رفتاری عقلانی است که باعث شود، با کمترین هزینه انسان به این هدفش برسد" سنجیده شده و در مجموع $15/8$ درصد پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، $18/8$ درصد خیلی زیاد، $28/3$ درصد زیاد، $20/2$ درصد کم، $7/6$ درصد خیلی کم با این گویه موافق بوده‌اند و $9/4$ درصد اصلاً با این گویه موافق نبوده‌اند. به‌طور متوسط میزان این اعتقاد $3/87$ از 6 است که بین کم تا زیاد قرار می‌گیرد (جدول 3).

توجیه وسیله با هدف: رسیدن به هدف از هر راه ممکن و با استفاده از هر وسیله و شیوه‌ای حتی روش‌های نادرست که به دلایلی توجیه شوند را می‌توان نهایت حسابگری دانست به این منظور، میزان موافقت پاسخگویان با گویه "اگر من نامزد انتخابات باشم و رقیبم از راه‌های نادرست رأی جمع کند، حتی اگر شکست بخورم من مثل او رفتار می‌کنم" را جویا شده‌ایم و نتایج آن نشان می‌دهد که در بین $5/2$ درصد پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، $3/6$ درصد خیلی زیاد، $7/8$ درصد زیاد، $17/6$ درصد کم، $24/8$ درصد خیلی کم با این گویه موافق و 41 درصد اصلاً موافق نبوده‌اند. متوسط آن نیز $2/77$ از 6 است که به معنی خیلی کم تا کم بوده است (جدول 3).

شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: از ترکیب گویه‌های فوق شاخص اعتقاد به لیبرالیسم به دست آمده است. میزان پذیرش اعتقادات لیبرالیسم در بین 5/9 درصد دانشجویان خیلی خیلی زیاد، 15/5 درصد خیلی زیاد، 25/4 درصد زیاد، 22/1 درصد کم، 20/9 درصد خیلی کم می‌باشد، 10/2 درصد پاسخگویان اصلاً به لیبرالیسم اعتقاد نداشته‌اند. به‌طور متوسط اعتقاد به لیبرالیسم در بین دانشجویان 3/32 از 6 بوده که در حد کم تا خیلی کم می‌باشد (جدول 3).

اندازه و نوع تغییر افکار و رفتار در دانشگاه: یکی از انتقادات وارد به یافته‌های این مقاله آن است که هرچند عقاید لیبرالیسم در حد کم تا زیاد و با متوسط 3/32 در بین دانشجویان وجود دارد ولی این به معنی ایجاد آن توسط دانشگاه‌ها نیست و می‌تواند منشأ پیدایشی، غیر از دانشگاه‌ها داشته باشد. لازم است یادآور شویم که اولاً مقاله مدعی آن نیست که عقاید لیبرالیسم توسط دانشگاه به وجود آمده، بلکه وجود آنها را بررسی کرده است. ثانیاً اندازه و نوع تغییرات فکری و رفتاری دانشجویان نیز بررسی شده که نشان می‌دهد با وجود عقاید لیبرال بین دانشجویان رابطه دارد. در این بخش نتیجه بررسی اندازه و نوع تغییر فکری و رفتاری دانشجویان و رابطه آن با اعتقاد به عقاید لیبرال ارائه می‌شود. از پاسخگویان پرسیده شد: "یکی از تاثیرات دانشگاه آمدن این است که ممکن است افکار و رفتار انسان تغییر کند و افکار و یا رفتار جدیدی را بپذیرد، به نظر خودتان بعد از آمدن به دانشگاه چقدر در فکر و رفتار شما تغییر ایجاد شده است؟" میزان تغییر افکار و رفتار 12/5 درصد پاسخگویان خیلی خیلی زیاد، 26/3 درصد از آنان خیلی زیاد، 32/2 درصد زیاد، 19/6 درصد کم، 5/8 درصد خیلی کم و 3/6 درصد اصلاً است. میانگین تغییر افکار و رفتار دانشجویان 4/09 است، یعنی میانگین تغییر افکار و رفتار پاسخگویان بین زیاد تا خیلی زیاد است. همچنین برای بررسی نوع تغییرات فکری و رفتاری پاسخگویان پرسیده شده: "از وقتی دانشگاه آمدید افکار و رفتار شما در چه زمینه‌هایی تغییر کرده است؟" 4/3 درصد افراد گفته‌اند تغییرات چندانی نداشته‌اند، بیشترین تغییرات

در زمینه اعتقادی و مذهبی بوده که $34/4$ درصد را به خود گرفته است. $25/5$ درصد افراد تغییرات خود را در بسیاری از زمینه ها از جمله: زمینه های اجتماعی و فرهنگی، انجام کارهای گروهی، نگرش به مردم و جامعه، برخورد راحت با مشکلات و درک مسائل، $15/1$ درصد پاسخگویان تغییرات خود را از نظر علمی، کتابخوانی بیشتر، رقابت در درس خواندن و از این قبیل عنوان کرده اند، $17/6$ درصد به لحاظ سیاسی، $7/3$ درصد افراد افزایش نظم، برنامه ریزی و مدیریت خود و زمان، مسئولیت پذیری، تأثیر بیشتر برپشتکار، افزایش اعتماد به نفس با تجربه شدن، مستقل شدن و صبر و تحمل را نام برده اند، $4/1$ درصد افراد نیز گفته اند نگرش آنها نسبت به جامعه و دانشگاه منفی شده است. $4/2$ درصد افراد نیز به موارد غیره را اشاره کرده اند.

رابطه ویژگی های فردی دانشجویان و شاخص اعتقاد به لیبرالیسم
اکنون برای شناخت بیشتر چگونگی اعتقاد به لیبرالیسم رابطه ویژگی های فردی پاسخگویان با آن را بررسی می کنیم. شایان ذکر است که این رابطه همبستگی آماری است و نباید تلقی رابطه علی از آن بشود.

رابطه جنسیت با اعتقاد به لیبرالیسم: بین آقایان و خانم ها در شاخص اعتقاد به لیبرالیسم تفاوت وجود دارد. مقایسه میانگین اعتقاد به لیبرالیسم در این دو گروه حاکی از آن است که باورهای لیبرالیسم خانم ها (با مقدار $4/6265$) کمتر از آقایان (با مقدار $5/3807$) است. مقدار $T (-8/065++) (=T)$ است.

رابطه سن با اعتقاد به لیبرالیسم: هرچند که شدت رابطه سن با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم ضعیف است، اما دانشجویانی که مسن تر بودند بیشتر به عقاید لیبرالیسم اعتقاد داشته اند. ضریب همبستگی رابطه بین سن و شاخص اعتقاد به لیبرالیسم $(r=0/071+)$ است. در واقع در $7/1$ درصد از کسانی که سن بیشتری داشته اند شاخص اعتقاد به لیبرالیسم هم بیشتر بوده است.

رابطه وضعیت تاهل با اعتقاد به لیبرالیسم: در $www.SID.ir$ شاخص اعتقاد به لیبرالیسم بین

مجردها و متاهلین تفاوت وجود دارد. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم مجردها (بامقدار 5/0824) و بیشتر از متاهلها (با مقدار 4/4104) و مقدار T ($++4/30$) است. رابطه رشته تحصیلی در دبیرستان با اعتقاد به لیبرالیسم: بیشترین میزان اعتقاد به لیبرالیسم را دانشجویانی داشته‌اند که رشته تحصیلی دبیرستان آنها کار و دانش بوده (با میانگین 5/5222) و پس از آن به ترتیب رشته فنی و حرفه‌ای (با میانگین 5/4000)، علوم انسانی (با میانگین 5/1773)، ریاضی فیزیک (با میانگین 5/0962)، قرار می‌گیرند و کمترین میزان پذیرش عقاید و باورهای لیبرالیسم را رشته علوم تجربی (با میانگین 4/7861) داشتند. همبستگی رابطه رشته تحصیلی دوره دبیرستان با اعتقاد به لیبرالیسم ($E = 0/098+$) است. با توجه به اینکه رشته تحصیلی دوره دبیرستان بر اساس وضعیت تحصیلی آنها در دوره راهنمایی تعیین می‌شود و معمولاً دانش‌آموزان قوی‌تر به رشته‌های می‌روند ملاحظه می‌کنیم که دانشجویانی که در دبیرستان در رشته‌های ضعیف‌تر علمی تحصیل کرده‌اند عقاید لیبرالیسم را بیشتر پذیرفته‌اند هرچند که این رابطه قوی نیست. رابطه شاخه علمی تحصیلی با اعتقاد به لیبرالیسم: بیشترین میزان شاخص اعتقاد به لیبرالیسم در دانشجویان شاخه فنی و مهندسی (با میانگین 5/3) پس از آن علوم انسانی (با میانگین 5/1471)، هنر (با میانگین 4/9838)، علوم پایه (با میانگین 4/8329)، پزشکی (با میانگین 4/6892) قرار می‌گیرند و کمترین میزان پذیرش عقاید و باورهای لیبرالیسم را شاخه کشاورزی (با میانگین 4/6629) داشتند. همبستگی رابطه میان شاخه علمی تحصیلی دانشجویان با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم ($E = 0/143+$) است. با توجه به میزان ضریب تبیین (0/020) یعنی 2 درصد از تغییرات در عقاید لیبرالیسم به شاخه علمی ربط دارد. به‌رغم ضعیف بودن این رابطه تفاوت بین میانگین‌ها معنی‌دار و قابل توجه است. همچنین ممکن است این نتیجه با نتایج رشته تحصیلی دبیرستان دانشجویان مغایر به نظر برسد ولی

باید توجه داشت اولاً بخش کمی از تغییرات شاخص اعتقاد به لیبرالیسم به وسیله تغییرات این دو متغیر تبیین می‌شود و مابقی آن به تغییرات عوامل دیگر تبیین می‌شود. ثانیاً ورود به رشته‌های دانشگاهی با وجود دیپلم غیر از شاخه علمی مربوطه نیز مقدور است.

رابطه میزان تحصیلات پدر و مادر با اعتقاد به لیبرالیسم: دانشجویانی که پدر و مادرشان تحصیلات بالاتری داشتند میزان اعتقاد به لیبرالیسم در آنها بیشتر بوده است. ضریب همبستگی شاخص اعتقاد به لیبرالیسم با تحصیلات پدر ($r=0/17$) و با تحصیلات مادر ($r=0/21$) است. در واقع در 17 درصد از کسانی که پدرشان تحصیلات بالاتری داشته و 21 درصد کسانی که مادرشان تحصیلات بالاتری داشته‌اند شاخص اعتقاد به لیبرالیسم هم بیشتر بوده است. این رابطه برای جمع تحصیلات پدر و مادر ($r=0/20++$) است.

رابطه درآمد خانواده با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: درآمد خانواده با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم رابطه معنی‌داری داشته است. ضریب همبستگی آنها ($r=0/10++$) و نشان می‌دهد دانشجویانی که خانواده آنها درآمد بیشتری داشته‌اند شاخص اعتقاد به لیبرالیسم در آنها بیشتر است. 10 درصد از کسانی که درآمد خانواده آنها زیاد بوده شاخص اعتقاد به لیبرالیسم در آنها بیشتر بوده است.

رابطه میزان تغییر افکار و رفتار با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: افکار و رفتار دانشجویان پس از ورود به دانشگاه تغییر می‌کند. این تغییر با افزایش و تقویت پذیرش افکار و رفتار لیبرالیسم نیز همراه است. رابطه بین میزان تغییر افکار و رفتار دانشجویان پس از ورود به دانشگاه و شاخص اعتقاد به لیبرالیسم ($rs=0/077++$) است و به عبارت دیگر در 7/7 درصد از دانشجویان هرچه افکار و رفتارشان پس از ورود به دانشگاه بیشتر تغییر کرده است، شاخص اعتقاد به لیبرالیسم در آنها بیشتر بوده است.

رابطه نوع تغییر افکار و رفتار با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: کسانی که پس از ورود به دانشگاه در زمینه اجتماعی و فرهنگی تغییرات بیشتری داشته‌اند، به لیبرالیسم نیز بیشتر معتقد

بودند. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم (با مقدار 5/2023) در گروهی که این نوع تغییرات را داشته‌اند بیش از کسانی است (با مقدار 4/9325) که این تغییرات را نداشته‌اند. همچنین کسانی که پس از ورود به دانشگاه در زمینه اعتقادی تغییری نکرده‌اند، به لیبرالیسم هم کمتر اعتقاد داشته‌اند. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم (با مقدار 5/1356) در گروهی که تغییرات اعتقادی داشته‌اند، بیش از کسانی است (با مقدار 4/7402) که به لحاظ اعتقادی تغییری نداشته‌اند.

رابطه میزان پایبندی دینی با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: پاسخگویانی که پایبندی دینی بیشتری داشته‌اند کمتر عقاید لیبرالیسم را پذیرفته‌اند. همبستگی رابطه پایبندی دینی و شاخص اعتقاد به لیبرالیسم ($r = -0/64++$) است. به بیانی دیگر در 64 درصد از موارد هر چه پایبندی دینی پاسخگویان بیشتر شده، شاخص اعتقاد به لیبرالیسم در آنها کمتر بوده است. رابطه میزان تقویت اعتقادات دینی با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: اعتقادات دینی دانشجویان پس از ورود به دانشگاه تغییر می‌کند این نتیجه پرسش است که از پاسخگویان شده است. تغییر تقویت اعتقادات دینی دانشجویان پس از ورود به دانشگاه با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم نیز رابطه داشته‌اند. همبستگی رابطه میزان تقویت اعتقادات دینی پس از ورود به دانشگاه با پذیرش عقاید و باورهای لیبرالیسم ($r = -0/40++$) است. در 40 درصد از پاسخگویان هر چه اعتقادات دینی تقویت شده، اعتقاد به لیبرالیسم در آنها کمتر بوده است.

رابطه هدف از دانشگاه آمدن با شاخص اعتقاد به لیبرالیسم: کسانی که بیشتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بودند هدف خود را از دانشگاه آمدن دستیابی به شغل مناسب و زندگی مالی بهتر بیان کرده‌اند. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم (با مقدار 5/2904) در گروهی که دستیابی به شغل مناسب و زندگی مالی هدف آنها بوده بیش از کسانی است (با مقدار 4/7013) که اهدافی غیر از شغل و زندگی مالی بهتر داشته‌اند. کسانی که هدف خود را از

دانشگاه آمدن کسب علم و تخصص بیان کرده اند کمتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بودند. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم (با مقدار 4/8679) در گروهی که کسب علم و تخصص هدف آنها بوده کمتر از کسانی است (با مقدار 5/1272) که هدف خود را کسب علم و تخصص عنوان نکرده اند. همچنین کسانی که هدف خود از دانشگاه آمدن را خدمت به جامعه بیان کرده اند کمتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بودند. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم (با مقدار 4/3373) در گروهی که خدمت به جامعه هدف آنها بوده کمتر از کسانی است (با مقدار 5/1836) که خدمت به جامعه هدف آنها نبوده است.

پیامدهای اعتقاد به لیبرالیسم

عقاید مبتنی بر لیبرالیسم صرف نظر از اندازه آن دارای پیامدهای فکری و رفتاری است که باید مورد توجه قرار گیرد، در این بخش به بررسی رابطه شاخص اعتقاد به لیبرالیسم و برخی پیامدهای آن می‌پردازیم.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با تعهد اجتماعی: پاسخگویانی که به عقاید لیبرالیسم بیشتر معتقد هستند تعهد اجتماعی کمتری دارند. رابطه بین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم با تعهد اجتماعی ($r = -0/11++$) است. در واقع در 11 درصد از کسانی که بیشتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بوده‌اند تعهد اجتماعی کمتری داشته‌اند.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با اعتماد اجتماعی: پاسخگویانی که به باورهای لیبرالیسم بیشتر معتقد هستند اعتماد اجتماعی کمتری دارند. همبستگی رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با میزان اعتماد اجتماعی ($r = -0/33++$) است. در 23 درصد از موارد کسانی که عقاید لیبرالیسم بیشتر قبول داشته‌اند، از اعتماد اجتماعی کمتری هم برخوردار بوده‌اند.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با رعایت اخلاق کاری: پاسخگویانی که به عقاید لیبرالیسم بیشتر معتقد بودند اخلاق کاری را کمتر رعایت می‌کنند. رابطه بین اعتقاد به لیبرالیسم و میزان رعایت اخلاق کاری ($r = -0/095++$) و گویای آن است که در 9/5 درصد افراد هر چه عقاید لیبرالیسم بیشتر پذیرفته شده رعایت اخلاق کاری کاهش یافته است.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با احساس مسئولیت در کار: در بررسی‌های انجام شده، افرادی که به باورهای لیبرالیسم بیشتر معتقد هستند احساس مسئولیت کمتری در کار دارند. رابطه بین میزان شاخص اعتقاد به لیبرالیسم بر میزان احساس مسئولیت در کار ($r=0/12++$) عبارت دیگر در 12 درصد از پاسخگویانی که عقاید لیبرالیسم بیشتر داشته‌اند احساس مسئولیت کمتری در کار دارند. رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با فردگرایی: کسانی که بیشتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بودند فردگرایی بیشتری هم داشته‌اند. همبستگی بین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم و فردگرایی ($r=0/37++$) است که به معنی آن است که در 37 درصد پاسخگویان هرچه عقاید لیبرالیسم بیشتر پذیرفته شده فردگرایی آنها نیز بیشتر شده است.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با فایده‌گرایی: فایده‌گرایی ترجیح منافع مادی بر منافع غیر مادی است. پاسخگویانی که به لیبرالیسم بیشتر معتقد بوده‌اند توجه بیشتری به سود و منفعت مادی خود داشته‌اند. بین اعتقاد به لیبرالیسم و فایده‌گرایی ($r=0/68=+$) رابطه وجود دارد. 68 درصد از پاسخگویانی که اعتقاد بیشتری به عقاید لیبرالیسم داشته‌اند، فایده‌گرایی بیشتری هم داشته‌اند.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با هویت ملی: پاسخگویانی که عقاید لیبرالیسم را بیشتر قبول داشتند از هویت ملی ضعیفتری برخوردار هستند. رابطه بین میزان شاخص اعتقاد به لیبرالیسم با هویت ملی ($r=-0/44++$) است و گویای آن است که در 44 درصد افراد هرچه عقاید لیبرالیسم بیشتر پذیرفته شده، هویت ملی آنها کاهش یافته است.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با اهمیت هویت قومی نسبت به هویت ملی: ترجیح عضویت و تعلق خاطر به گروه اجتماعی بزرگ نسبت به تعلق به عضویت گروه‌های اجتماعی کوچک نشانی از توسعه‌یافتگی است. به همین منظور و با توجه به ویژگی‌های محتوایی لیبرالیسم و آثار گرایشی و رفتاری آن رابطه پذیرش لیبرالیسم و ترجیح هویت اسلامی، ایرانی و قومی بررسی شده است. پاسخگویانی که عقاید لیبرالیسم را بیشتر قبول داشتند

هویت قومی خود را نسبت به هویت ملی بیشتر ترجیح داده اند. شاخص اعتقاد به لیبرالیسم با ترجیح هویت قومی نسبت به هویت ملی ($rs=0/23++$) همبستگی دارد و به بیانی دیگر در 23 درصد از کسانی که بیشتر عقاید لیبرالیسم را پذیرفته اند اهمیت بیشتری برای هویت قومی خود نسبت به هویت ملی خود قائل هستند.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با اهمیت هویت اسلامی نسبت به هویت ملی: پاسخگویانی که به باورهای لیبرالیسم بیشتر معتقد هستند برای هویت اسلامی نسبت به هویت ملی خود اهمیت کمتری قائل هستند. رابطه بین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم با اهمیت هویت اسلامی نسبت به هویت ملی ($rs=-0/55++$) نشان می‌دهد که در 55 درصد از موارد کسانی که بیشتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بودند اهمیت کمتری برای هویت اسلامی نسبت به هویت ملی خود قائل هستند و به عبارتی دیگر این افراد هویت ملی خود را نسبت به هویت اسلامی‌شان ترجیح داده اند.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با مشروعیت نظام: پاسخگویانی که به عقاید لیبرالیسم بیشتر معتقد بودند مشروعیت کمتری برای نظام قائل بوده اند. رابطه بین میزان شاخص اعتقاد به لیبرالیسم با میزان مشروعیت نظام ($r=-0/58++$) است و بدان معناست که در 58 درصد افراد هر چه عقاید لیبرالیسم بیشتر پذیرفته شده مشروعیت کمتری برای نظام قائل شده اند.

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با احساس مسئولیت در برابر حفظ انقلاب: پاسخگویانی که به باورهای لیبرالیسم بیشتر معتقد هستند احساس مسئولیت کمتری برای حفظ انقلاب می‌کنند. همبستگی بین اعتقاد به لیبرالیسم و احساس مسئولیت در برابر انقلاب ($r=-0/56++$) است. یعنی 56 درصد از کسانی که عقاید لیبرالیسم داشته‌اند، احساس مسئولیت کمتری برای حفظ انقلاب دارند.

رابطه گروه مرجع با اعتقاد به لیبرالیسم: کسانی که بیشتر به عقاید لیبرالیسم معتقد بودند دارای گروه مرجع غیر خودی (غیر ایرانی) نیز بوده‌اند. میانگین شاخص اعتقاد به لیبرالیسم (با مقدار 5/4848) در گروهی که کشوری غیر ایران گروه مرجعشان بوده بیش از کسانی است (با

مقدار 3/8718) که ایران گروه مرجعشان بوده- است.
 رابطه گروه مرجع علمی با اعتقاد به لیبرالیسم: بین اعتقاد به لیبرالیسم کسانی که ایران را به عنوان کشور مورد علاقه برای ادامه تحصیل برگزیده اند و کسانی که کشوری غیر از ایران را انتخاب کرده اند تفاوت معنی دار دارد. این نتیجه از مقایسه میانگین اعتقاد به لیبرالیسم در این دو گروه به دست آمده است. میانگین اعتقاد به لیبرالیسم کسانی که کشوری غیر ایران را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده- اند (با مقدار 5/4848) بیشتر از کسانی است که ایران را انتخاب نموده اند (با مقدار 4/1910).

رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با توسعه علمی و اجزای آن: بررسی تجربی این تحقیق در پنج دانشگاه بزرگ و مهم تهران انجام شده و هدف اصلی از بررسی آن مطالعه رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با توسعه علمی دانشجویان بوده است. در این بخش از مقاله به تشریح این رابطه می پردازیم:
 رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با موفقیت علمی دانشجویان ($r = +0.092$)، با کارآمدی علمی آنها ($r = +0.062$)، با جامعه پذیری برای سایر نقش های اجتماعی ($r = +0.20$)، با خلاقیت ($r = +0.066$)، با توسعه یافتگی انسانی ($r = +0.18$) و در نهایت با شاخص توسعه علمی ($r = +0.088$) است. بدان معنا که با افزایش اعتقاد به لیبرالیسم در (2/9 درصد) از موارد موفقیت علمی، در (2/6 درصد) از موارد کارآمدی علمی، در (20 درصد) از موارد جامعه پذیری برای سایر نقش های اجتماعی، در (6/6 درصد) از موارد خلاقیت، در (18 درصد) از موارد توسعه یافتگی انسانی و در (8/8 درصد) از موارد توسعه علمی با کاهش همراه است (جدول 4).

جدول 4. رابطه اعتقاد به لیبرالیسم با توسعه علمی و اجزای آن

ضریب همبستگی و سطح معنی داری توسعه علمی آموزش عالی و اجزای آن						
توسعه علمی	انسان توسعه یافته	خلاقیت	جامعه پذیری نقش های اجتماعی	جامعه پذیری شغلی	کارآمدی علمی	موفقیت علمی

$r = -0/088$ $sig = 0/04$	$r = -0/18$ $sig = 0/000$	$r = -0/066$ $sig = 0/04$	$r = -0/20$ $sig = 0/000$	-	$r = -0/062$ $sig = 0/03$	$r = -0/092$ $sig = 0/001$	لیبرالیسم
------------------------------	------------------------------	------------------------------	------------------------------	---	------------------------------	-------------------------------	-----------

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران با برنامه‌ریزی‌های انجام شده، مسئولان در تلاش وسیع خود توانسته‌اند سطح اقتصادی جامعه را درکل بهبود بخشند با افزایش تحصیلات عالی و مشاغل خاص و از جمعیت طبقه پایین بطور نسبی کاسته و به طبقه متوسط اضافه شود. به عبارتی دیگر در طی این سالیان ما شاهد تغییر در قشربندی اجتماعی نیز هستیم. بزرگ شدن طبقه متوسط به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود و شاید بتوان گفت عدالت در بعد اقتصادی- اجتماعی خود یعنی درکاهش جمعیت طبقات بالا و پایین جامعه و رشد جمعیت طبقه متوسط تا حدودی محقق شده است. افزایش سطح تحصیلات عالی نیز معرف دیگری از رشد طبقه متوسط است. این رشد در درون خود نوعی تعارض را در پی داشته و آن گسترش و مطالبه ارزش‌های طبقه متوسط بین-المللی که مبتنی بر ارزش‌های لیبرالیستی، به-ویژه توسط دانشگاه‌ها بوده است. نتایج این تحقیق می‌تواند معرفی برای اثبات ناکارآمدی نهادهای فرهنگی جامعه باشد که هم‌سو و هماهنگ با جریان اقتصادی نسبت به نهادهای سازي ارزش‌های نظام انقلابی اسلامی نبوده و این امر پیامدهای منفی فراوانی از جمله در امور سیاسی و اقتصادی داشته است.

منابع

- آربلاستر، آنتونی، لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، چ3، تهران، نشرمرکز، 1377.
- اریک لیدمان، سوده، تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس، ترجمه سعید مقدم، تهران، نشر دانش، 1379.
- بوردو، ژرژ، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی، 1378.
- رحیم پورازغدی، حسن، چهار گفتار، تهران، نشر طرحی برای فردا، 1388.
- زرشناس، شهریار، در باره دموکراسی، تهران، کتاب صبح، 1387.

سروش، عبدالکریم، *رازدانی و روشنفکری و دینداری*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، 1377.

شاپیرو، جان سالوین، *لیبرالیسم معنا و تاریخ آن*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، نشر مرکز، 1380.

فروند، ژولین، *جامعه شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر نیکان، 1368.

گنون، رنه، *بحران دنیای تجدید*، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، تهران، امیرکبیر، 1372.

نبویان، محمود، *جستارهایی در باب دین و دنیای مدرن*، قم، نشر پرتو ولایت، 1387.

نوروزی، محمد جواد، *فلسفه سیاست (سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی)*، قم، مرکز انتشارات موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی، 1379.

هیوود، آندره، *درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، 1379.

_____، *مقدمه نظریه سیاسی*، ترجمه عبد الرحمان عالم، تهران، قومس، 1383.

Bourdieu, Pierre, *The Essence of Neoliberalism, Utopia of Endless Exploitation. Le Monde Diplomatique*, Translated by Jeremy J. Shapiro, 1998.

Colton. Joel and Palmer. R.R, *A History of the Modern World*, New York: McGraw Hill, Inc, 1995.

Feher Marta, *SCIENCE AND LIBERALISM*, Michael Polanyi on the Freedom of Science, Volume 5, Number 1, pp.47-62,1995.

Gould, Andrew, *Origins of liberal Dominance*. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1999.

Gross, Jonathan, *Byron: The Erotic Liberal*, Lanham: Rowman & Littlefield Publishers, Inc,2001.

Kurtz, Poul, *Toward a New Enlightenment* (u.s.a. transaction publshers),1994.

Johnson, Paul, *The Renaissance: A Short History*, New York: Modern Library, 2002.

Song, Robert, *Christianity and Liberal Society*, Oxford: Oxford University Press,2006.

Wolfe. Alan, *The Future of Liberalism*, New York: Random House, Inc.